



## کامیلیو توریس : ضد شورش یا جنگ انقلابی [ 2 ]

۳۵

کوهستانها نیز مورد مراقبت قرار می گیرند : در هنگام روز ، دودها را میبایند و در هنگام شب ، انعکاس آتش همیزمها را که در جای نا مناسبی برپا شده است ؛ و هر یک از این دو نشانه جالبیست برای واحدهای زمینی ارتش بمنظور برقراری موقعیت قبل از تماس دائمی ، و نیز برای نیروی هوایی بمنظور پیاده کردن گروههای ضد چریک و بمباران کردن آنها . عوعوی سگها ، حرکت آنها یا سوسوی روشنائی ها پس از ساعت ۹ شب ، سبب می شود که در سپیده دم روز بعد ، یک محاصره تاکتیکی و عملیات شناسائی صورت بگیرد . اگر ذخیره ها و آذوقه های از قبل تهیه شده ، بیش از نیاز خانواده کشف شوند ، یا کفشهای تنیس بیش از معمول مشاهده گردد ( و خلاصه هر چیز دیگری که نشان دهند حضور چریک ها در آن حوالی باشند ، بدست ارتش بیفتد ) ، مالک آن اشیاء مورد بازجویی قرار خواهد گرفت . اگر از این بازجویی جان سالم بدر برد ، زندانی یا تبعید خواهد شد . این پاسگاهها غالباً در چند کیلومتری کوهستان ، در مزارع متروک کوه چند برج و باری ابتدائی بر آن ساخته اند ، قرار دارد . میدان دید آنها بر اثر وجود گیاهان انبوه ، محدود است . و آذوقه و خوار و سار از راه هوا با افراد می رسد . این پاسگاهها اساساً بمنظور حمایت از واحد هاائیکه وظیفه برقراری موقعیت قبل از تماس دائمی یا برنامه بستوه آوردن و زلزله کردن را بعهده دارند ، برپا شده اند .

هر چند که تعداد ضد چریک ، محاصره استراتژیکی ، و عمل اشباع کردن ، مناسب ترین شکل اشغال مناطق عملیاتی پایگاه چریکی را تشکیل می دهد ، قدر مسلم هیچ رژیم استعماری یا نو استعماری ، با وجود داشتن نیروی عقیدار خود در مراکز شهری ، علاقمند نیست که خود را مجبور باشغال مناطق کوهستانی یا جنگلی مشاهده کند . باین دلیل ساده کم : برای

آنها این عمل دارای یک مفهوم منفی و خالی از هرگونه فایده اقتصادی و لوژیستیکی می‌باشد. مضافاً اعمال این شیوه‌ها سبب می‌شود که قسمت اعظم نیروهای آنها متفرق و پراکنده شوند و هزینه آن نیز در مقام مقایسه با فایده‌اش بینهایت زیاد و روز افزون می‌باشد. با اینهمه، ضد شورش برای اینکه در مقابل جبهه مسلح جا خالی نکند و تسلیم نشود، و امکان ساز-مانده‌می‌بیاپیگانه‌های جنگ چریکی را در اختیار چریکها نگذارد و بآنها فرصت ندهد که مسائل لوژیستیکی خود را حل و فصل کنند، چاره‌ای جز این ندارد که با چریکها و جنگ چریکی بمبارزه بر خیزد. ولی محاصره استراتژیکی از خارج، و عمل اشباع کردن از داخل، بدلیل وسعت منطقه‌ای که آزادانه برای عملیات جنگ چریکی انتخاب شده است، برنامه بستوه آوردن و زلزله کردن بی‌فایده یادارای اثر محدودی خواهند نمود. از این نظر، ضد چریک با جاده صاف کنی بی‌وقفه و لاینقطع (با محور تاکتیکی اش)، قادر خواهد شد که فضاهای خالی منطقه‌ای را که چریکها برای استقرار و گاه‌های عملیاتی خود بآن احتیاج دارند، اشباع کند.

### عالی‌ترین درجه تاکتیکیهای "ضد شورش" برای نابود کردن

— کمین یا دام گستری: شیوه "رنجر" عبارتست از ادغام تاکتیکیهای متعدد چریکها، باروشهای عملیاتی خاص خودشان. ضد چریک با برخورداری از مزیت یک تکیه‌گاه لوژیستیکی محکم، بسادگی می‌تواند واحدهایش را هشت روزی در بی‌بمقصد استفاده کردن از تاثیر عافلگیری، بمنظور تصفیه کردن تشکیلات چریکها، در حالت کمین نگه دارد. محلهائیکه (ضد چریکها) معمولاً برای دام گسترده و کمین کردن از آن استفاده می‌کنند، عبارتست از: تقاطع راهها، کوره راههائیکه در آنها نشانه چریکها فراوان بچشم

خورده است، پیوستگاه رودخانه ها و سایر گذرگاههای اجباری؛ پلها، جاده ها و معبرهای ایجاد شده در حوالی دهکوره ها و همچنین شاخه‌های آنها و تپه های مسلط بغضاهای پوشیده .

نیروهای منظم با کمین کردن در کوره راهها، جاده ها و معبرها، معمولاً می‌گذارند که گروه پیشتاز و گشتی های شناسائی چریکها عبور کنند؛ بعد اینکه بتوانند تیرهای خود را بطرف ستون چریکها متمرکز سازند . ارتش با علم باینکه گشتی های شناسائی، همواره تداوم جای پاهای برجها گذاشته شده بوسیله گروههای ارتشی را در نظر می‌گیرد (و وقتی چریکها با تعقیب گروههای ارتشی خود را بمخاطره می‌اندازند) در این حال ممکن است که ستون خود را بدو قسمت تقسیم کنند: یک دسته را بحال کمین نگه داشته و بقیه افراد، راه خود را با در نظر گرفتن نشانه‌ها (بنحوی که وانمود کنند که تمام افراد ستون، براه خود ادامه داده‌اند)، دنبال کنند .

گاهی اوقات بوقتیکه نشانه‌های روی زمین، شمارش تعداد سربازان را امکان پذیر می‌سازد؛ آنقدر بزوی زمین رفت و آمد می‌کنند که بالاخره حیلۀ منحرف کننده‌ئی را پیدا کنند تا براحتی بتوانند دام خود را بگسترانند . یا با برگشتن بمحل اول خود، برای گذاشتن جای پا، چند متر داخل جنگل می‌شوند؛ و دسته مامور کمین، در محل مورد نظر مستقر می‌گردند، و بقیه ستون پس از محو کردن جای پاهای برجها گذاشته شده، راه خود را بجاده یا کوره راهی که رها کرده بودند، دنبال می‌کنند؛ و تا مقدار زیادی از راه، همان برنامه فریب دهنده خود را (بمنظور از بین بردن امکان شماره کردن تعداد سربازان بوسیله چریکها) ادامه می‌دهند . وقتیکه خطر مشاهده شدن بوسیله روستائیان یا چریکها وجود دارد

﴿ بویژه در راههای پر رفت و آمد ، شاهراهها یا در حین عبور از محلها  
روبان ﴾ گروههای ضد چریک معمولاً پس از حرکت از پاسگاههای اشباع  
کننده یا پایگاههای نقطه عزیمت ، محل کمین را در شب ﴿ اگر کاملاً مهتاب  
باشد ﴾ و یا در اوایل سحر ، اشغال می کنند .

از میان حیلله های متعدد از این حیلله می توان نام برد : ضد چریک  
برای غافلگیر کردن چریکها ( پس از فرار داوطلبانه روستائیان و چهار  
پایان ) ، عادت دارد که چند چهار پا را بعنوان "تله" در چراگاه رهسا  
کرده و در کمین بنشینند تا باز دید کنندگان گرسنه از راه برسند .

— محاصره تاکتیکی : هر یورش ضد چریک بر یک جبهه چریکی ، بسیاری  
دسته های توپخانه سبک و واحدهای هوا بردش صورت می گیرد ، و هدفش  
در یک فاصله کوتاه یا دراز مدت ، جمع کردن کلیه امکانات و شرایط لازم  
برای محاصره تاکتیکی می باشد . همانطوریکه قبلاً متذکر شده ایم ، در شکل -  
های مختلف تماس مستقیم ، موقعیتهای فراوانی بدستشان می افتد ، و در  
نتیجه بیش از چریکها می توانند از موقعیت بهره برداری کنند ؛ زیرا  
کلیه عملیات آنها بر اساس عوامل : محل مساعد ، تدابیر ایمنی ، و وقت  
اجراه ، پایه گذاری شده است . یک مثال : صبح یکروز ، ضد چریک\* در  
محلهاثیکه بر قسمتهای از تپه های بی درخت یا دره های با گیاهانی ناسا  
چیز مسلط بود ، یک گروه از نیروهای غیر منظم را که بر اثر برنامه نله کردن  
و بستن آوردن یک واحد دیگر ارتش با طرف رانده شده بودند ، غافلگیر  
می کنند . وقتی که نیروهای غیر منظم بدام می افتند ، برای مبارزه کردن سما  
جست  
بخارج می دهند ، و یا ناگزیر بانجام آن می شوند ﴿ در اینحال ، ثابت نگه  
داشته شده اند ﴾ ؛ و این کار ، بدشمن اجازه می دهد که قسمت مهمی از  
روز را ببیاباده کردن واحدهای خود از راه هوا اختصاص دهد ؛ بهمان

حدی که زمان نبرد بطول می‌انجامد بهمان حد نیز حلقهٔ محاصره تنگتر می‌شود. بتحویکه برای زنده ماندگان شانس کمی باقی می‌ماند که در هنگام شب بتوانند حلقهٔ محاصره را بشکنند.

ولی غالباً چون هلیکوپترها نمی‌توانند جز در زمینهای باندازه کافی دور (از میدان نبرد م.م.)، نیروی کمکی پیاده کنند، در اینحال ضد چریک فرصت انجام محاصره را پیدا نمی‌کند، و باین قناعت می‌ورزد که بکمک نیروها منتقل شده از راه هوا، کمینهای را برپا دارد؛ و محاصره را به فرصت دیگری واگذار کند. بتعبیر دیگر، وقتیکه چریکها از جنگ يك کمین، بیا يك مانور در تنگنا افتادن، خارج می‌شوند (با خود را خلاص می‌کنند)، خطر محاصره در حدود ۲۲ ساعت بطور جدی باقی می‌ماند. بنا بر این، چریکها در این فاصله لازست که بانجام يك راه پیمائی اجباری (روز و شب) برای تامین يك ایمنی نسبی (لا اقل ۲۴ ساعت راه پیمائی من حیث المجموع) تن در دهند. بویژه وقتیکه محلها را خوب نشناسند یا اینکه این محلها دارای قسمتهای وسیعی باشند با درختان و گیاهان کم و ناچیز، و بیا اینکه اطراف آنها را ارتفاعاتی احاطه کرده باشد. در این حالات اگر دشمن دارای کنترل و دیدبانی خوب باشد، چریکها بآسانی ممکنست دوباره به جنگ دشمن بیفتند. در آنجائیکه منطقهٔ عمل، کوهستانی یا جنگلی است، پیاده کردن نیرو از راه هوا امکان کمتری دارد و مشکلات ناشی از عبور از مرحلهٔ زله کردن و بستن آوردن بمرحلهٔ ثابت نگه داشتن، و سپس بمحاصرهٔ تاکتیکی، برای دشمن بسیار بزرگ و شدید است.

بنابر این، از عبارات قبلی چنین نتیجه گرفته می‌شود: وقتیکه چریکها دهکده‌ای را اشغال می‌کنند یا فلان هدف واقع شده در يك زمین کم گیاه و درخت را مورد حمله قرار می‌دهند، هیچوقت نباید فراموش کنند

که نیروهای ضد چریک در همان حالیکه برای برقراری موقعیت قبل از تماس دائمی از طریق برنامه زلزله کردن و بستن آوردن یا تعقیب بی امان و لاینقطع تلاش می کنند، در همان حال نیز می کوشند که راه عقب نشینی چریکها را قطع کنند، و بحالت کمین قرار دادن دسته های متعدد، سعی خواهند کرد که از طریق فافلگیری، تماس مستقیم را برقرار نمایند، و اگر فرصت داشته باشند چریکها را ثابت نگه دارند، و بانجام عملیات در تنگنا قرار دادن آنها، مبادرت ورزند.

اطلی درجه ساختمان عملیاتی ضد چریک در مورد یک جبهه مسلح ضربه خورده و مدام در حال پیچ و تاب، چنین است: زلزله کردن و بستن آوردن با ایجاد موقعیت قبل از تماس دائمی، که در اولین فرصت بوسیله یک جنگ مانورها با تمرکز نیروها در محل ثابت نگه داری شده، تکمیل میشود؛ و بالاخره، تهیه مقدمات در تنگنا قرار دادن، و محاصره تاکتیکی و لسی و تیکه جنبش چریکی هنوز شانس ادامه حیات مسلحانه را از دست نداده است، اگر مرتکب اشتباه شود و از روی میل و قصد (و نه با اجبار دشمن) در پایگاهها و اردوگاهها، خود را ثابت نگه دارد، نقطه قابل هدفگیری را در دستش بدشمن تقدیم می کند؛ و در اینحال، دشمن می تواند بیورشهای تمرکز یافته و نابود کننده ای مبادرت ورزد و مواضع آنها را با خاک یکسان کند.

نظم شیوه های مورد اجراء بوسیله ضد چریک در حال مبارزه با یک جبهه چریکی

این نظم، برحسب اینکه یک جبهه مسلح در یک منطقه تهیه و آماده شده یا یک ناحیه جنگ چریکی فعالیت می کند، و یا اینکه جنبهائی که بر اساس

منطقه دفاع از خود "گریولا" Griolla برپا شده و توفیق یافته است که بموقع، مناطقش ((و نیز شیوه‌های احتیاطی دشمن)) را باز شناساند، می‌تواند فرق کند. در مورد اخیر (منطقه دفاع از خود. م)، نظر باینکه طبیعت یک حکومت جمهوری مستقل<sup>(۲۱)</sup> وجود یک پایگاه محکم حمایتی ناشی از یک کار سیاسی و نیز توسعه‌ی بمنتهی درجه را متوقع است، معمولاً نظم تعقیب شده بشرح زیر است:

— زیرکی و رخنه‌گری: برای اینکه از ذکر مثالهای متعدد خود داری کنیم، بذكر، و مثال اکتفا می‌گردد: ارتش در مارکه تالیا (واقع در کلمبیا) یک زن زیبای موخرمائی را بعنوان معلم استخدام می‌کند. این زن خود را شیفته و دلباخته فرمانده چریکها نشان می‌دهد، بنحویکه در زمان تیرباران کردن فرمانده در خواست می‌کند که اول او را بکشند. یکسوی دیگر از ماموران مخفی، راه دیوانگی و خل بازی را بر می‌گزینند. باستن زنگوله‌های پر سر و صدا بپاهای خود، در کوچه‌ها و محله‌ها راه میرفت و خل بازی در می‌آورد.

— عملیات مدنی: وقتیکه عملیات مدنی با شکست مواجه می‌شود و یا نتایج ناچیزی ببار می‌آورد، جای این برنامه با برنامه فرار داوطلبانه روستائیان عوض می‌شود؛ مخصوصاً روستائیانیکه طرفدار جنگ چریکی هستند و یا از در اختیار قرار دادن اطلاعات و اخبار مربوط به چریکها و از برگزاری تماس با ارتش نفرت دارند، بیشتر مورد هدف این برنامه قرار می‌گیرند. تمام ساکنان دهکوره‌های دور افتاده و منزوی، مجبور می‌شوند که خانه و زندگی خود را رها کنند. (ارتش) چهار پایانشان را ضبط

می‌کند، مزارعشان را ویران مسازد و آنها در محلها یا دهات نزدیک و قابل کنترل جمع می‌کند.

و تئیکه موضوع بر سر يك جبهه چریکی است که از سیستم دفاع از خود را نیش تعیین شده محروم است و یا اینکه جزئیات منطقه پیشاپیش شناخته نشده است، ارتش با امید بدست آوردن موفقیت‌های بیشتر «در مقابل موقعیتی که گمان می‌کند از نظر آشوبگری در مرحله ابتدائی است»، قبل از هر چیز، ترجیح می‌دهد که اطلاعات خود را در خصوص تغییر مکان نادرتهای با راهزنان\* و مناطق مورد نفوذشان تکمیل کند. در اینحال، عملیات مدنی، همچون مورد قبلی، بالاخره جای خود را با فرار و اوطنیان<sup>ه</sup> ساکنسان<sup>د</sup> قسمتهای دارای نفوذ احتمالی چریکها عوض می‌کند، بنحویکه هر قدر برنامه زله کردن و بستوه آوردن و عمل اشباع کردن تشدید می‌یابد، بموازات آن، توقیفها و شکنجه‌ها نیز شدیدتر می‌گردد.

— محاصره استراتژیکی: در حالت وجود منطقه دفاع از خود گریز، عملیات تعیین محل و موضع کردن با دقت خاصی صورت می‌گیرد. نظرناینکه مناطق عملیاتی از قبل بوسیله ضد شورش مورد مطالعه قرار گرفته است، هر يك از آنها در همان لحظات اول یورش، از نظر نظامی اشغال میگردد.

— موقعیت قبل از تماس دائمی یا برنامه زله کردن و بستوه آوردن گروه مسلح در منطقه با اصطلاح دفاع از خود: یورش همواره متعاقب بینک بمباران شدید، و پیاده کردن مفصل قوا از طریق هرا صورت می‌گیرد؛ و بعنوان آغاز کار، برنامه زله کردن و بستوه آوردن را در امتداد کوره راهها و جاده‌ها بمورد اجرا در میاورند.



— عملیات اشباع کننده: در مناطق دفاع از خود "کریولا" عمل اشباع کردن بهمان شیوه ذکر شده در صفحات فوق اجراء می‌گردد؛ بروی نقاط مسلط به منطقه‌ای وسیع، پاسگاههای کوچک حمایتی و دید میانی قرار می‌دهند که هر یک از این پاسگاهها منطقه مربوط بخود را کنترل می‌کند. سپس عمل اشباع کردن با مناطق عملیاتی، بطرف مناطق که چریکها تغییر محل میدهند، توسعه و گسترش می‌یابد.

— جنگ روانی: این شیوه همواره تحت شکلهای متعدد (و بدون وجود راه حل برای ادامه آن)؛ بوسیله سازمانهای امنیت نظامی متخصص در امور قلب کردن وقایع و انتشار اخبار دروغین، اعمال می‌شود؛ (۲۲)؛ برای اجرای این شیوه، از مطبوعات، نامه‌های بی نام یا با نام مستعار، نوشته‌های روی دیوار، و پیچ و پیچ‌هایی برای علم کردن تهدیدها، و جازدن جاسوسان و ماموران مخفی بعنوان انقلابیون تحت تعقیب، و معرفی کردن انقلابیون بعنوان ماموران مخفی و جاسوسان، استفاده می‌کنند. و در این کارها آنها پیش می‌روند که روستائیان را بطور دستجمعی قتل‌عام می‌کنند و انجام آنها بچریکها نسبت می‌دهند؛ یا اینکه سرها و بدنهای شقه شقه شده (انقلابیون) را برای درس عبرت گرفتن روستائیان، بمعرض نمایش می‌گذارند. قبل از تمام کردن این فصل، باید یادآور شویم که کارشناسان جنگ احتیاطی، جنگ مخصوص و تاکتیکهای "رنجر"، با احتمال قوی، تجربیات اندوخته شده بوسیله ارتش کلمبیائی در مبارزه علیه جنگهای چریک‌ساز بوده‌ای در جریان ۱۹ ساله اخیر را جمع‌آوری کرده و آنها را برای انطباق و اجراء در امریکای لاتین آماده کرده‌اند. مشاوران یانکی، ارزیابی می‌کنند که کلمبیا دارای مهمترین و با تجربه‌ترین مدارس جنگ ضد چریکی در امریکای لاتین می‌باشد (از نوشته توله مايدا Tolemaida))؛ و یکی از نشانه‌های این امر اینست که مشاهده می‌کنیم تعداد افسران این کشور

که بتعلیم و کارآموزی در پایگاههای ایالات متحده اشتغال دارند، همواره از تعداد افسران سایر کشورهای امریکای لاتین، بطور چشمگیری کمتر است. ولی ضد شورشی همه جا، با شدت و ضعف موثر بودن، در مبارزه خود علیه جنبشهای رهاشیشش<sup>۱</sup> شبیه یکنواختی را بکار می برد. اگر در يك مرحله<sup>۲</sup> مشخص، بخاطر دلایل متفاوت، دشمن عطیات ذکر شده در صفحات قبل را بمورد اجراء در نمی آورد؛ و اگر نیروهای ضربتی اش نمی توانند تاکتیکهای<sup>۳</sup> تشریح شده در فوق را بمورد اجراء در آورند؛ عطی جز این ندارد که نیروهای ضد شورشی و ضد چریک کمتر از حد لازم، رشد و توسعه یافته اند. و فقط کافی نبودن انگیزه جوشهای اجتماعی - اقتصادی، یا فقدان یک حزب انقلابی، می تواند مجموعه نشانهها و علائمی را که مانع از گسترش سریع جنگهای چریکی می شوند، توضیح دهد.

## حواشی مربوط به " پیشگفتار - مشکلات مربوط به رهائی کشورهای آمریکای لاتین

(۱) نیروی عقیدار بجای Arrière - Garde بکار رفته است .  
Arrière - Garde به مفهوم خاص یعنی نیروی عقیدار را در  
همین کتاب ، در فصل " بر پا کردن يك نیروی عقیدار " خواهیم دید . و  
با این مفهوم، Avant - Garde نیروی پیشاهنگ ، یا پیشتاز یا پیشقراول ،  
یعنی : يك جبهه مسلح است .  
اما مفهوم عام . هر واحد چریکی از سه قسمت تشکیل می شود : - Avant  
Garde یا جلو دار ( یا پیشتاز یا پیشاهنگ و یا پیشقراول ) ، ستون ،  
Arrière - Garde یا عقیدار و در ارتش منظم نیز واحدها بهمین  
ترتیب تقسیم می شود : جلو دار ، ستون ، عقیدار .  
در این ترجمه ، برای اینکه Avant - Garde چریکها و ضد چریک با هم  
قاطبی نشوند ، تمهیداً دو واژه پیشتاز و پیشقراول را استعمال کرده ایم .  
اولی را برای Avant - Garde چریکها و دومی را برای - Avant  
Garde ضد شنوروش و ضد چریک ارتش . پس در این ترجمه هر جا که  
با گروه پیشتاز برخورد شد ، منظور جلو دار چریکهاست . و هر جا که  
گروه پیشقراول ملاحظه گردید ، منظور جلو دار ضد چریک است . م  
( ۲ ) " رفتار بورژوازی ملی ، در پاره ای از کشورهای توسعه نیافته ، رفتار  
افراد باند دزدانی را بیاد میاورد که پس از هر دزدی ، هر يك سهم  
خود را از افراد هم باند خود مخفی نگاه داشته و عاقلانه مقدمات باز  
نشستگی اش را فراهم می کند . این رفتار ، این حقیقت را بر ملا می کند  
که بورژوازی ملی ، کم و بیش واقف است که در يك زمان دراز مدت ، نقش

بازنده را ایفاء می‌کند و حدس می‌زند که این وضعیت تا قیامت دوام نخواهد داشت؛ از این نظر، سعی دارد که حد اکثر استفاده را از وضع موجود بکند.

از کتاب "نفرین‌شدگان روی زمین" اثر فرانتس فانون، F. Fanon (۳) T. R. Malthus (۱۸۳۴-۱۷۶۶) اقتصاددان انگلیسی مولف تحقیقی در زمینه اصل جمعیت (۱۷۹۸) و در این کتاب افزایش مداوم جمعیت را در مقابل ناکافی بودن منابع غذایی جهان، همچون خطری معرفی می‌نماید، و از این نظر پیشنهادی می‌کند که میزان ازدیاد نسل بطور ارادی کاهش داده شود.

(۴) Les questions nominatives مسائل اسمی در مقابل مسائل واقعی قرار دارد. همان‌طوریکه ارزش اسمی یک چیز با ارزش واقعی همان چیز فرق می‌کند، مسائل اسمی یک سازمان، یک جامعه و غیره نیز با مسائل واقعی آن سازمان یا جامعه تفاوت دارد. م (۵) "اولین درسی که دلم می‌خواهد یاد آورم شوم، چیزی بدیهی است: مقاومت کردن در مقابل یک جنگ رهایی بخش، جنگی که گذاشته است توسعه و گسترش یابد، همچون جنگ رهایی بخش ویتنام جنوبی، بینهایت گران تمام می‌شود... این محاسبه خالص مخارج از نظر دلار و از نظر زندگی انسانی، در مقابل دشواریهایی که مقاومت در خصوص یک جنگ رهایی بخش عرضه میکند، بسیار نا چیز است؛ بویژه جنگی که شدت توسعه یافته است. و تذکر این نکته بسیار اهمیت دارد که در مقابل یک چنین موقعیتی، پیش‌بینی و پیش‌گیری کردن بهتر از دخالت کردن در موقعی می‌باشد که بصورت یک جنگ چریکی درآمده است."

از کتاب "مسئولیت و پاسخ"، نوشته ژنرال ماکسول دی. تایلور (Maxwelle D. Taylor)

(۶) Fringo اصطلاحی تحقیرآمیز که در امریکای لاتین ، اختصاراً در مورد امریکای شمالیها بکار میرود ؛ چیزیست در حد واژه یانکی ، ولی در سنوات اخیر بویژه پس از انقلاب کوبا ، در این قاره بیش از کلمه یانکی مصطلح شده است . م

(۷) ژورک لوکاکس Georg Lukacs در کتاب خود تحت عنوان " با بورش عقل " اعلام می کند که : " برای امریکای شمالی های واقعی ، در آنچه که بنحوه عمل و رفتارشان مربوط میشود ، واقعیت و مفید بودن ، دو کلمه مترادف است " . . . که " جیمز ، در راسوم فلسفی خود به Man in the street ، بهر چیزی که خطوطی از دریافت جهان را در بر داشته باشد یک نوع راحت طلبی عرضه میکند ، توهمی از یک آزادی کامل ، توهمی از استقلال فردی و شایستگی اخلاقی و روشنفکری ، در محدوده " رفتاری که بوسیله تمام و هر یک از اعمالش او را بیورژازی ارتجاعی وابسته میکند و از او یک خادم بدون قید و شرط میسازد " . و اینکه وتیکه ویلیام جیمز ، روانشناس و فیلسوف امریکائی و بنیان گذار پراگماتیسم ، با اندیشه منطقی و شناخت علمی ، قطع رابطه میکند ، مباحث " راحت " ، " مفید " ، و " نتایج عقلی " را بیهیمان میکنند ، بخش مطلق از ایده آلیسم در او بچشم میخورد که " در واقع بمرخصی فرستادن اخلاقیات را تضمین میکند ، همان کاریکه هر اعتقاد مذهبی انجام میدهد " ، در اینجا است که او امر غیبر منطقی طلبی فلسفی را باز می یابیم که تا حد " استریب تیز Strip - tease تعالی یافته ، تا رد یغز هنر برتر و متعالی " تا حد تحقیر حسی تعیین سرنوشت ملتها بوسیله خود ، و حمامهای خون از نوع ویتنام پیش میرود .

(۸) در سال ۱۸۲۰، بولیوار به سانتائدر Santander چنین نوشته بود: "... بشما توصیه میکنم این امریکای شمالی ها را که در سواحل رفت و آمد دارند، به شدت زیر نظر داشته باشید؛ اینها از آن جماعتی هستند که ممکن است تمام کلمبیا را بیک ژان ( Real ) واحد سابق پول اسپانیا (م.م) بفروشند..." و در سال ۱۸۲۹ بازبیش بینی هایش قدرت عظیم تری می بخشید: "بنظر میرسد که از طرف مشیت الهی چنین مقدر شده است که ایالات متحده، بنام آزادی، تمام قاره امریکا را با انواع بدبختی ها از پای در آورد..."

پس از آنهمه ماجراها، کدام انقلابی امریکای لاتینی است که امروزه بتواند در کوششهای این Handsome یانکی، جز تمقیب بیک سیاست امپراطوری و شیر مسلکی ( Leonin ) شیر مزاجی، سهم شیری، بتعمیر دیگر بزرگترین سهم را بخود اختصاص دادن (م.م)، چیز دیگری را مشاهده کند؟

(۹) در این هنگام مولف ستیزه جوئی امریکائی ( ژان ژاک سروان شراپیر فرانسوی، مدیر مجله اکسپرس م.م) باین قناعت نمی ورزد که اثبات کند فقط عناصر "غیر مادی"، "تعلیم و تربیت"، "نوآوری و بدعت گذاری" و غیره هستند که بحساب می آیند؛ حتی بخود جرات میدهد که این دعوی عجیب و مضحک را پیش بکشد: "ما در مقابل یک امپریالیسم سیاسی کلاسیک، یک اراده کشوری گشائی قرار نداریم؛ بلکه بیشتر از نظر مکانیکی در مقابل یک لبریزی قدرت ناشی از اختلاف فشار" بین امریکای شمالی و بقیه جهان، از جمله اروپا قرار گرفته ایم."

( از کتاب "ستیزه جوئی امریکائی"، ص ۵۶ انتشارات Denoel )

در واقع این اختلاف " فشار " بروی سود هائی تکیه میکند که ناشی از استعمار جوشی و نواستعمار جوشی میباشد که امروزه کمتر مناسب و مساعد حال اروپاست چیزی که مضافاً نظریه سروان شرایبر را بد شواری قابل پذیرش میسازد ، اینست که او می خواهد هر نوع نیروی عقیدار " باصطلاح در داخل کشور پیدا شود ، تنها باین عنوان که يك ملت تکنوکرات بوده باشد . حتی اگر فرض کنیم که چنین شود ، نظر باینکه " امروزه تسلط بی در پی دوام می یابد ، نه تنها از ورای تکنولوژی ، بلکه حتی در نفس آن گسترش می یابد ، و این تکنولوژی بزرگترین حربه قانونی ، و بر حق بودن قدرت سیاسی در حال تزاید را بدست میدهد تا تمام قلمرو های فرهنگی را در خود جذب کند " ( از کتاب انسان متحد الحجم - اثر هربرت مارکوز ) آیا این باصطلاح مولف ، بشیوه ای متقاعد کننده به هربرت مارکوز جواب میدهد ؟ مثل اینکه میخواهد اطمینان بدهد که " لبریز "یش ، يك تلمیح و نزاکت بیان بیش نیست .

ایالات متحده توانسته است باین سرمایه گذاریهای مستقیم وارد کردن محصولات ساخته و پرداخته اش ببازارهای دیگر ، از رکود اقتصادی خویش جلوگیری بعمل آورد . ولی هیچ جای تردید - و تهدید کننده نیست که صنعت جنگی برهبری پنتاگون ، که براه حل های توفیق یافته است ، امروزه نقش اساسی را در مهمترین برنامه های سیاست داخلی و خارجی این کشور ایفا کند . معلول و نتیجه تضریب کننده ( Multiplicateur ) فرضیه ای که بر اساس آن ، هر نوع افزایش در سرمایه گذاری های تولیدی ، از یاد تقاضای مصرف کنندگان را بیشتر از حد و میزان هزینه سرمایه گذاری بدنبال دارد . م) ، نه تنها پرداخت دستمزدهای خوب و افزایش قدرت خرید جمعیت را ممکن ساخته ، بلکه حتی بسلاطین صنعت و اقتصاد

اجازه داده است که ساده تر و راحت تر بدسترسی در آمد های افسانه نائل گردند . و این روشن میکند که صادر کردن جنگ بکشورهایی چون ویتنام برای محافل مالی ، همچون پشتوانه های بشمار میرود ، و این اطمینان را ارائه میدهد که خطر عقب گرد اقتصاد ی پیش بینی شده ، دیگر وجود ندارد ؛ این حقیقتی است که سخنگویان رسمی حکومت بآن اذعان کرده اند ( نطق جانسون در ژانویه ۱۹۶۷ ) . اینها بنوعی بروی يك راه حل نئو کینزی مناسب سرمایه گذاری های جنگی یا " هزینه های خانه خراب کن " توافق کرده اند ؛ " ساختن اهرام و حتی وقوع زمین لرزه ها و ایجا د جنگها میتواند برای افزایش ثروتها مفید واقع شوند بشرطی که شناخت های اصول اقتصاد کلاسیک نتواند امکانات بهتری را در اختیار حکمرایان ما قرار دهد . . . بدون شك کار عاقلانه تر این خواهد بود که خانه ها یا چیزهای از این قبیل ساخته شود ؛ ولی در صورتیکه موانع سیاسی و عملی برای تحقق آنها وجود داشته باشد ، شیوه قبلی ( یعنی ساختن اهرام و حتی وقوع زمین لرزه ها و ایجا د جنگها . م ) فایده بخش تر از آنست که اصلا کاری صورت نگیرد . . . و هر يك از این فعالیتها - بفلت عدم امکان فعالیت های بهتر - نقش خود را در پیشرفت میتواند ایفاء کند . "

( از کتاب فرضیه عمومی کار ، فایده ، و پول اثر جان مارینارد کینز )

John Maynard Keynes ) همچنین در این زمینه باید توضیح داد که تکنولوژی ، از دیالکتیک کنار زدن و حذف کردن ( رقبا ) و ایجا د تقاضاهای جدید اطاعت میکند . پاره ای از مواد اولیه بعنوان مثال کاتوجو ، در طی این مرحله از امپریالیسم جدید : تولید بیش از حد و تراکم و انباشت<sup>شده</sup> مداوم محصولات ، مکانی را که در آن مرحله از سرمایه داری ، به شیوه تراکم و انباشت بدوی محصولات داشته ، از دست داده است ؛ ولسی



فلزات راد یوآکتیو ، جای آنها را بتازگی اشغال کرده است . و این بخاطر جلب رضایت و ابراز مساعدت بملتهای محروم از وسائل تولید نیست که ایالات متحده و کمپانیهای بزرگ امریکائی و کشورهای استعماری دیگر، برای بدست آوردن نفت ، مس ، سرب ، قلع ، بوگسیت ، گوگرد ، بی زیست ( ترکیب گوگرد و فلز ) - فقط برای اینکه چند فقره از ثروتهای طبیعی این ملتها را ذکر کرده باشیم - با هم بنزاع و مشاجره پرداخته اند . و اگر بهمه اینها، هزینههای بیفایده و اسلحه و مسهلات بوسیله کشورهای توسعه نیافته - یا کشورهای " در حال توسعه " ، همانطوریکه سران این کشورها علاقمند هستند که در زبان عملیاتی آنها را بدینگونه بنامند - ، کنترل قیمتهای تعیین شده برای برقراری یک مبادله نا متعادل ، ماهیت وامها و "کمکها" و غیره و غیره را اضافه کنیم ؛ در اینحال این مدیحه سرای فرانسوی ، این ستایشگر " پیشرفت بطور خالص " ( سروان شرایپر ) تصور میکند که چگونه و چه کسی را میتواند با صوفی گریهای انگشت بدها حیران نگه دارد ؟

دار  
( ۱۰ ) Lanciers در ارتش قدیم عبارت بودند از سواره نظام های نیزه دار  
و در اینجا منظور ضد چریکهای سواره نظام می باشد . م .  
( ۱۱ ) در مورد توضیح این اصطلاح به شماره ( ۲۳ ) حواشی فصل بعدی یعنی فصل ( متفرق کردن نیروهای دشمن ) مراجعه شود . م .  
( ۱۲ ) Beret نوعی کلاه است که معمولا چریکها و ضد چریکها هر دو از آن استفاده می کنند ، در اینجا منظور از ( بره ) یا کلاه سبزه ، ( کلاه سبزه ) ی ضد چریک می باشد . م .  
( ۱۳ ) منظور از عبارت " چریکهای واقعی - ضد چریکهای حرفه ای " ، اینست که اینها از نظر ظاهر و نیز از نظر تعلیماتی که دیده اند ، چیزیکند

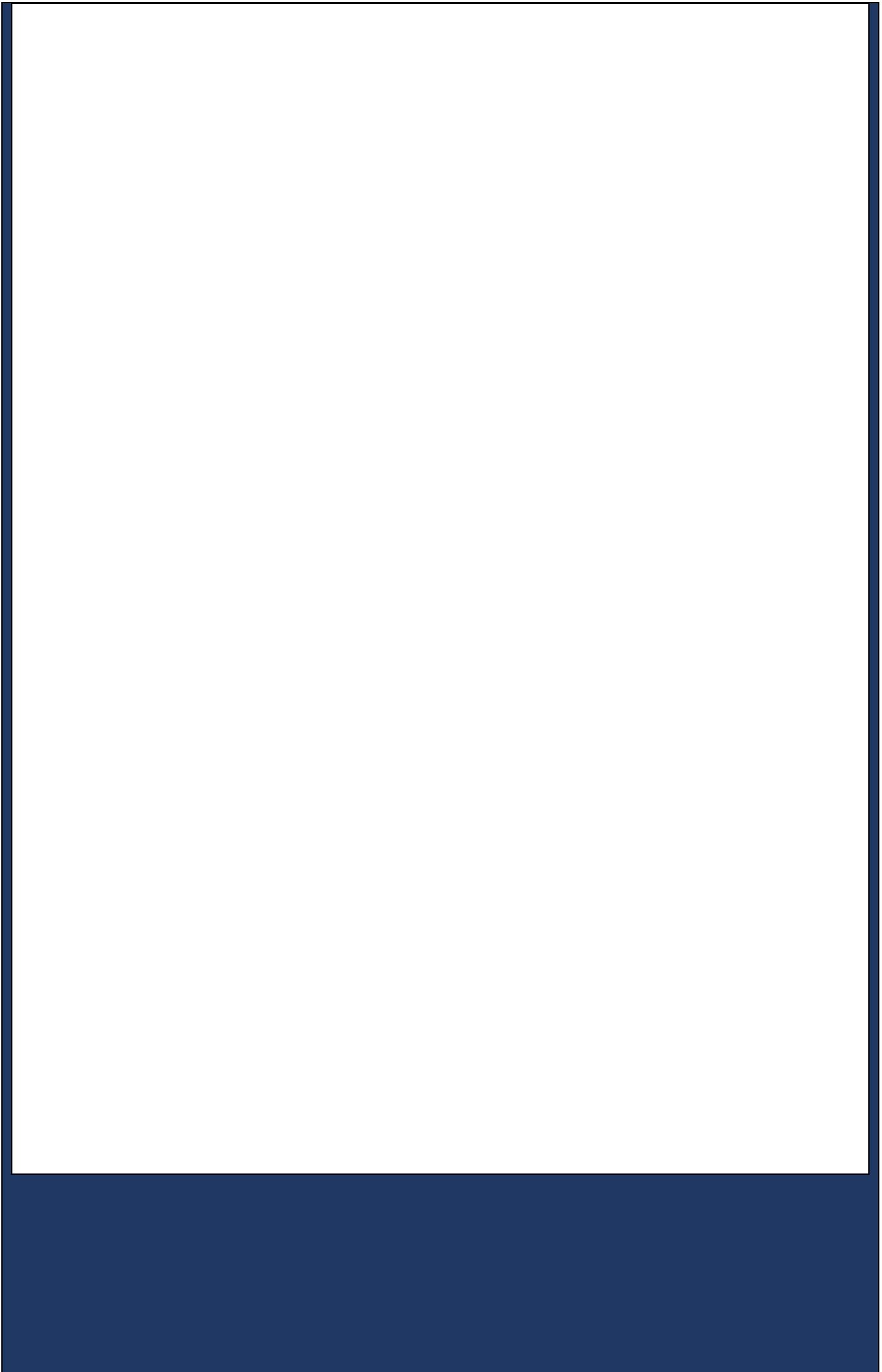
- ( با چریکها فرقی ندارند ) ، ولی در واقع واژ نظر حرفه‌ای ، ضد چریک  
 میباشند . م .
- (۱۴) از نظر آکادمیک ، ضد چریک کنونی از اصل فرانسوی - انگلیسی  
 « ویتنام ۱۹۵۴ ، مالزی ۱۹۶۰ - ۱۹۶۸ » سرچشمه میگیرد . امریکاییها  
 فقط و سسپل تکنولوژیکی را بآن اضافه کرده و آنرا " رنجر " نامید هاند ،  
 همان چیزی را که انگلیسی ها " هانترا کیلرز Hunter - Killers " ها ،  
 مینامیدند . حتی در یونان « ۱۹۴۹ - ۱۹۴۶ » تحت قیومیت انگلیسی  
 اینها ( رنجرها ) در مبارزه علیه واحدهای چریکی " Elas " ،  
 پیشاپیش ، نقاط استراتژیکی را بتصرف خود در می آوردند .  
 (۱۵) در فرهنگ جنگ چریکی ، گروهها و واحدهای غیر منظم ، بچریکها  
 اطلاق میشود ؛ و گروهها یا واحدهای منظم ، به نیروهای ضد شورش  
 و ضد چریک ارتش . م .
- ( ۱۶ ) منظور از تماس مستقیم " ، یورش یا حمله است ؛ و نیز منظور از  
 " موقعیت قبل از تماس دائمی " هر قراری موقعیت تماس مستقیم (حمله یا یورش)  
 میباشد که طریق برنامه زده کردن و بستن آوردن بمورد اجرا در می آید . م
- (۱۷) Bases de depart
- ( ۱۸ ) " بهترین تاکتیک ها برای مبارزه علیه جنگهای چریکی عبارت از  
 وارد شدن در داخل جنگل در تعقیب چریکها ، و در نتیجه باقی ماندن  
 در آنجا را برای آنها فوق العاده خطرناک کردن می باشد . "
- Malaya: The Communist Insurgent War , 1948 - 1960,  
 Mayor - Edgar O'Ballance
- (۱۹) در اصطلاح شناسی نظامی کلاسیک ، " جنبه " عبارت از ردیف  
 پیشرفته یا خط تشکیل یافته در یک محل ، بوسیله ارتش منظم ، در نبرد میباشد .

ولی در امریکای لاتین ، عادت شده است که واژه "جبهه" یا "جبهه مسلح" را برای یک گروه از مبارزین مرکب از دو یا چند چریک، که از نظر سازمانی متشکل شده‌اند و در مناطق روستائی یک کشور عمل میکنند ، بکار بزنند . در این کتاب همه جا این واژه باین مفهوم اخیر استعمال شده است .

( ۲۰ ) در گواتمالا و نیکاراگوئه ، " ضد چریک " از این حیث جنگی بطور مداوم کمک می گرفته است که فقط در حدود ۴ یا ۵ " رنجر " را بصورت روستائیان تغییر شکل می دادند ، و آنها را برای تعقیب جای پاها و تعیین محل و موضع کردن اردوگاههای چریکها اعزام می داشتند .  
( ۲۱ ) در این باره این اصطلاح ، در شماره ( ۳ ) حواشی فصل دوم :  
" متفرق کردن نیروهای دشمن " توضیح داده ایم . م .

( ۲۲ ) باید خاطر نشان کرد که حملات و یورشهای ضد چریک همواره با یک " برنامه وسیع ملی جنگ روانی " همراه میباشد . رفیق فرانسسکو پرادا ( Francisco Prada ) ، دبیر سیاسی جبهه رهائی بخش ملی ونزوئلا ، این نکته جالب را اضافه می کند : " . . . بخاطر داریم که چطور روحیه افراد یک واحد بفرماندهی بود پلیولویو در جنوب فالكسون تضعیف شده بود ، بحدی که تمام افرادش در صدد این بودند که میدان نبرد را رها کنند . . . دشمن با استعمال تمام نامها و نامهای مستعار دقیق افراد واحد ما ) اینطور باورانده بود که واحد ما بطور کامل مضمحل و نابود شده است . . . حقیقت این بود که ما حتی بیگن از افراد خود را از دست نداده بودیم . . . ما بطرف منطقه دیگری تغییر محل داده بودیم ، و این کار مانع از آن شده بود که در محل و زمان تعیین شده با بود پلیو تماس برقرار کنیم . . . بدینگونه خبـر

( دروغین ) کشته شدن تمام افراد ما ، تا بآن حد ، روحیه همراهان ما را از بین برده بود . . . زیرا در آن زمان ، ما هنوز از این شیوه دشمن ، که مبتنی بر انتشار اخبار و شایعات ساختگی و دروغین است ، بی اطلاع بوده ایم . . . "



## جنگ انقلابی

جنگ توده‌ای یا جنگ انقلابی که بوسیله پیشتازان مسلح سازمان‌های انقلابی هدایت می‌شود، برترین حالت مبارزه توده‌هاست. اولین تظاهر آن معمولاً جنگ چریکی می‌باشد که دارای خصیصه‌ای ثابت است که حسب‌المورد، کم و بیش در جنگ توده‌ای، حق تقدم دارد. جنگ چریکی که تحت عنوان جنگ غیر منظم نیز شناخته شده است، دارای هدف است مبتنی بر نابودی تاکتیکی، و ضعیف کردن و ازبای درآوردن استراتژی دشمن. در امریکای لاتین، تئوثر اصلی عملیات آن، مناطق روستایی بوده است، در آنجا یک مکانیسم استثمار و بهره‌کشی، کشمکش‌های اجتماعی را جدت و شدت بیشتری می‌بخشیده و در یک محدوده جغرافیایی مساعد، بظهور و پیدایش جنگ‌های چریکی کمک می‌کرده است. بدینگونه است که حماسه رهایی بخش کوبا، با نجات دادن ملت خود از قید قیمومت، برای ملت‌های بسیار دیگر، بصورت نمونه و سرمشق درآمده و امپریالیسم امریکای شمالی را در یک حالت انتظار مسلحانه قرار داده است. از این لحظه ببعده است که بویژه برای امریکای لاتین، تصور اینکه ژاندارم‌های بین‌المللی فاقد قدرت پیش‌بینی می‌باشند، عامل احتمالاتی بسیار ضعیفی را تشکیل می‌دهد تا بعنوان پایه و اساسی برای هدف‌های سیاسی انقلابی بکار رود. و این نکته روشن می‌کند برای چه اکنون، بیش از هر وقت دیگر، ضد شورش در یک محتوای انقلابی تا این حد کم توسعه یافته‌ی نظیر (کشورهای قاره) ما، بیک چنین مرحله‌ی از دقت و ظرافت کاری رسیده است. و همین امر، ضرورت کسب یک ظرفیت ذهنی مساعد و توسل به بهترین امکانات و وسائل را برای بسرمنزل مقصود رسانیدن

جنگ انقلابی، بیش از پیش حیاتی و فوری کرده است.

بتمام اینها باید فقد ان یک سرحد کشور دست یا نیروی عقیدار موقتی را اضافه کرد، فقدانی که تا مدت‌های دراز برای جبهه‌های مسلح امریکای لاتین میتواند مانعی ایجاد کند؛ دیگر اینکه، اوضاع و احوال ذکر شده، عوامل پیچیده و مبهمی را بوجود می‌آورد که متوقع راه‌حلهای ویژه می‌باشند. پیشگفتار اثر حاضر (۱) (( که عبارات بسیار متعددی در آن، بذکر عواملی که بجبهش و توسعه بیشتر تشکیلاتی جنگ چریکی مربوط می‌شود، اختصاص یافته است))، اهمیت این دلیل را بوضوح و روشنی توضیح می‌دهد. بدینگونه، بطور اساسی با تعلیم یافتن و اطلاع کسب کردن در زمینه جنگهای چریکی - که ارگان تشکیل دهنده اصلی سیاسی و اجتماعی آنرا مورد مطالعه قرار خواهیم داد - بمراخل عالی و بشکل‌های عملیاتی دیگر جنگ انقلابی، خواهیم رسید.

اکنون، جایی را که جنگ چریکی در چین، در الجزایر، در کوبا، و در ویتنام، در هر یک از سه مرحله از جنگ دراز مدت (۲) اشغال کرده است، بطور خلاصه مورد بررسی قرار می‌دهیم، و بعنوان اطلاع باید اضافه کنیم که در این زمینه، علی‌رغم وجود توجیه‌ها و استنباطهای مختلف و قابل بحث، این هدف دنبال می‌شود که پاره‌ای از عناصری را که بعداً مورد توجه قرار خواهیم داد، بدینوسیله خلاصه کنیم.

رئیس جمهور مائوتسه تونگ و ژنرال وئوئنگوین جیاب در مورد وجود از پیش آماده نیروهای منظم (در بین انقلابیون م) حرف می‌زنند که تعدادی از آنها، با گروه‌های متعددی از چریک‌های مستقل (( که وظیفه سازمان دادن پایگاه‌های حمایتی و مناطق دفاع از خود را بعهده دارند)) ائتلاف کرده‌اند.

در چین، در هنگام اولین مرحله از جنگ دراز مدت - یعنی تداوم  
 استراتژیکی -، جنگ چریکی (۳) و جنگ موضع‌گیری (۴) ، موقعیت جنگ جنبشی<sup>(۵)</sup>  
 را که شکل اصلی نبرد بود ، مستحکم می‌کرد . در ویتنام، جنگ چریکی  
 از همان اول بر سایر شکل‌های مبارزه تسلط یافت . در طی دومین مرحله  
 - ( یعنی ) تعادل یا تساوی استراتژیکی - ، در چین، همچنین در ویتنام<sup>(۶)</sup>  
 جنگ چریکی شکل اصلی مبارزه را تشکیل می‌داد که بوسیله جنگ مانورها<sup>(۶)</sup>  
 و جنگ موضع‌گیری یاری میشد . در سومین مرحله - ( یعنی ) ضدتهاجم  
 استراتژیکی - ، این جنگ جنبشی است که در این دو کشور بزرگترین  
 نقشه‌ارایی‌کردن است؛ در حالیکه از شکل‌های دیگر عملیاتی نیز استفاده می‌گردد.  
 در حال حاضر (۷) ، در ویتنام جنوبی، جنگ جنبشی در مرحله‌عالی آن ، همچون شکل  
 اصلی مبارزه<sup>دنا</sup> همیشه ؛ در حالیکه از جنگ چریکی و جنگ موضع‌گیری نیز یاری گرفته می‌شود.  
 در کوبا ، جنگ چریکی ، با گشایش یک جبهه مسلح در سیرا ماسترا Sierra Materal  
 ترجمان نظامی خط‌مشی سیاسی جنبش ۲۶ ژوئیه آغاز شده است که متعاقباً بوسیله هیات  
 رهبری کننده انقلابی حزب سوسیالیست تودهای مورد حمایت قرار می‌گیرد،  
 و مبارزه شهری و حومه شهری وسیعی را دنبال میکند که بطور فعال  
 بوسیله بخش‌های تودهای بطرف هدف سوق داده می‌شود . جنگ چریکی،  
 که در اولین مرحله از جنگ خلقی (۸) بصورت اصلی ترین شکل مبارزه  
 در آمده بود ، کم‌کم بعنوان مدد کار جنگ جنبشی و جنگ موضع‌گیری در  
 آمد تا اینکه ارتش یافعی ، فرماندهی مردان شایسته در دوم ژانویه  
 ۱۹۵۹ دستگاه سیاسی طرفدار امپریالیسم را نابود میکند .  
 در الجزایر ، اشغال مستبدانه بیگانه ، پس از بیش از صد سال مقاومت ،  
 خشونت انقلابی را بوجود آورد که از نظر سیاسی، بوسیله جبهه رهایی  
 بخش ملی ( F.L.N ) و از نظر نظامی، بوسیله ارتش رهایی بخش ملی

( A.L.N ) حمایت میشد . طفیانها ، خرابکاریها و سوء قصد های  
 بی‌شمار ، بدنبال آغاز انقلاب در سال ۱۹۵۴ براه افتاد تا آنجا که .  
 هدف استعمارگران در آن واحد ، مورد حمله قرار گرفت . پس از سال  
 ۱۹۵۸ ( F.I.N ) در حدود ۳۰۰۰ نفر در تونس خدمت  
 آماده داشت که اعضای اصلی آن نظامیان الجزایری بودند که دوره اول  
 خدمت نظام خود را در ارتش فرانسه انجام داده بودند . برای آنها  
 " بعنوان تبعه فرانسه " انجام خدمت نظام امری اجباری بود و بسیاری از  
 آنها بخاطر انجام عملیات قهرمانانه در جریان جنگ دوم جهانی ، بدزیا  
 مدالها و نشانهای دولت فرانسه نائل شده بودند . اعضای اولیه  
 F.I.N جزء افراد ارتش فرانسه در زمان اشغال این کشور (بوسلیسه  
 آلمان هیتلری م. ) بودند ، و همین امر به F.I.N امکان میداد که  
 از همان آغاز جنگ خلقی ، بشکلهای عملیاتی بسیار مهمتری دست  
 بزنند ؛ از قبیل نبرد د روزه در "جورف" Djouff که در مساحتی در  
 حدود ۶۰ کیلومتر مربع جریان یافت (در سال ۱۹۵۶) . در سال ۱۹۵۸ ،  
 پس از حملات متعدد استعمارگران ، F.I.N - A.L.N پیشنهاد  
 دوگله تحت عنوان " صلح آمهای با شهادت " یعنی صلح بدون قید و  
 شرط را رد میکنند . در مقابل افزایش تعداد نیروهای امپریالیست ،  
 نیروهای میهن پرستان ، بگروههایی با یک تحرک فوق العاده تقسیم میشوند  
 و جنگ چریکی را تا نابودی دستگاه فاشیستی O.A.S (۹) در سال  
 ۱۹۶۲ ، بسرتا سر کشور گسترش میدهند .

در آغاز جنگ رهائی بخش الجزایری ؛ جنگ چریکی ، همچون شکل عملیاتی  
 از قبل تسلط یافته ، حکومت میکرد . در دومین مرحله جنگ خلقی ،  
جنگ جنبشی ، شکل اصلی مبارزه را تشکیل میداد ؛ ولی همچنان



از جنگ چریکی یاری گرفته میشد. و در مرحله سوم، جنگ چریکی، نقش وزین و با اهمیت خود را بازیافت؛ و در همین حال از جنگ جنبشی نیز كم گرفته میشد.

در امریکای لاتین از کوبا که بگذریم، هیچ جا موقعیت ارتشهای منظم از پیش موجودیت یافته، بچشم نخورده است تا بوسیله آنها بتوان بطور وسیع بهاشیدن بذر جبهه‌های مسلح، مناطق تهیه و تدارك شده، و نواحی جنگ چریکی مبادرت ورزید. و در هیچیک از این کشورها، در میان جنبش انقلابی مسلح، نظامیان سابق بچشم نمیخورد. این نقص، قدر مسلم همینکه قسمت اعظم مرحله اول جنگ توده‌ای تحقق یافت، همچون اثرات سیاسی و نظامی مبارزه، برطرف خواهد شد.

تا فرارسیدن آئروز، ما در حال حاضر در دشوارترین و طولانی‌ترین مرحله پیشروی قرار داریم. در زیر و بمهای مرحله‌ای که عادت کرده‌ایم يك كم عجولانه و بدون تشخیص و تمیز، آنرا ادامه حیات مسلحانه، رشد، توسعه و حتی تدافعی استراتژیکی نام دهیم. در حقیقت، موضوع بر سر مرحله‌ای دستچین شده و بینهایت دشوار است که در طی آن، پیشتازان تسلیم نشدنی و آشتی ناپذیر، مجبورند که در مقابل حملات گروههای نخبه ( پلیس و ارتش)، مقاومت کرده و در عین حال، بیشترین مسئولیت تصدات انقلابی را بر تنهایی بدوش بکشند.

از این لحظه بيمد، با توجه بآنچه قبلا گفته شده است، این امکان فراهم میشود که بسیاری از اجزاء متشکله این Corridor Sui Generis را که جنگ انقلابی در امریکای لاتین طی میکند، تمیز و تشخیص دهیم. اینجا، جبهه‌های چریکی از درون ارتشهای موجود ناگهان ظاهر نمیشوند؛ آنها ( چریکها )، بروی نیروهای عقده‌ار یا جناحهای دشمن عمل نمیکند؛

آنها از شکلهای دیگر عملیاتی یاری نمیگیرند و بوسیله این عملیات تکمیل نمیشوند؛ بلکه با عقب نشینی داعی، با پیچ و تابها و دست و پای خود جمع کرد نهایی مداوم استراتژیکی ( جنگ و گریزها . م ) - که بخطا آنها " تدافع استراتژیکی " مینامند - میجنگند؛ و معمولاً این جنگ، برطیبه پیشقراول استراتژیکی نیروهای سرکوب دولتی صورت میگیرد .

همینکه مبارزه شدت بیشتری گرفت، و مرحلهٔ قلبی پشت سر گذاشته شد، میتوان پیشبینی کرد که " فاز " های بعدی در مقام مقایسه ( با " فاز " های مرحلهٔ قلبی . م )، با سرعت سرسام آوری جریان خواهد یافت. وقتی که در ارتشها، فرار از خدمت و امتناع از معرفی خود بخد مت وظیفه، و تضعیف و از دست دادن روحیهٔ افراد بشدت رواج یافت، فرزندان مارس ( خدای جنگ . م ) و شارحان و مفسران جنگ محلی، بشورت و همکاری دعوت میشوند؛ اشغال کشور بوسیله نیروی بیگانه نقاب از چهره برمیدار و سیمای واقعی استعمارگران جدیدی پرده ظاهر میشود؛ حساسیت وطن پرستانهٔ توده‌ها و روحیهٔ از خودگذشتگی که بر اثر نفس مبارزه از نظر ایدئولوژیکی برانگیخته شده، احساسات رهائی بخشی را که تاکنون بندر بروز کرده بود، بیدار خواهد کرد . هر چه امپریالیستها زودتر نیرو پیاده کنند ( بخاطر اینکه برآورد میکنند که جنگ رهبری شده بوسیله دستگاہها الکترونیکی، دیگر بدون تاثیر است )، موقعیتشان وخیم تر خواهد شد .

و این موقعیت زمانی از اینهم وخیم تر میشود که تعداد قابل توجهی از جنگهای محلی نیروهای خود را بپراکندگی و تفرق مهلک قوای دشمن اختصاص دهند . و این، آخرین خشم ریزی و زهرپاشی امپریالیستها خواهد بود، نه تنها بخاطر اینکه این قاره ( امریکای لاتین . م )، قاره آبیمه مورد استثمار قرار گرفته است، تمام ارتشها و " نیروی دریایی " آنها

را فلج خواهد کرد، بلکه همچنین باین خاطر که برخلاف محاسبات خاص خودشان (( بدون هیچ تردید، بسیار خوشبینانه - اگر محاسباتشان در ویتنام و شکستشان را در این کشور مورد توجه قرار دهیم ))، دارای وسائل کافی ضد انقلابی نمیشدند در آن واحد، بتوانند علیه هفت جنگ مخصوص و دو جنگ محلی مبارزه کنند. (۱۰)

اکنون، بر اساس نظم تقدم و تأخر و بنا بر اهمیت موضوع، حیاتی ترین - هدفهای استراتژیکی برای رسیدن بمراحل عالی جنگ انقلابی را - مورد بررسی قرار میدهیم:

- حفظ کردن و توسعه دادن نیروهای انقلابی.

- متفرق کردن نیروهای دشمن.

- بر پا کردن يك نیروی عقیدار.

- دنبال کردن تمام شکلهای مبارزه شهری.

هر يك از این هدفها - هر يك وابسته بدیگری - بیمن يك رهبری ماهرانه میتواند در يك شرایط اقتصادی و اجتماعی خاص، به برپا داشتن مجموعه ای که از نظر تاریخی تعیین کننده باشد، توفیق یابد. ایجاد این موقعیت، بسازمانهای انقلابی واقعی امکان خواهد داد که مناسب ترین شرایط را برای مبارزه مسلحانه بدست آورند.

قبل از هر چیز، بخاطر سیر تحولی مسائل است که نظم ذکر شده در فوق را دنبال میکنیم، بی آنکه ویژگیهای یاد شده در صفحات قبل را فراموش کنیم؛ ویژگیهایی که بجای خود، هر وقت که لازم باشد، بروی آنها تکیه خوا کرد.

## حواشی مربوط به " جنگ انقلابی "

( ۱ ) منظور فصل : " مشکلات مربوط به رهائی کشورهای امریکای لاتین "

است . م

(۲) Guerre prolongée (جنگ ممتد یا دراز مدت) - جنگ توده‌ای برای گسترش " پایگاه توده‌ای " خود ، و برای رسیدن به تمام هدفهای سیاسی و نظامی ، " بیک مقدار از زمان " احتیاج دارد ؛ از این نظر، جنگ توده‌ای، جنگ انقلابی ، و جنگ دراز مدت اصطلاحاتی مترادف میباشند .

La guerre de guérillas ( ۳ )

La guerre de positions ( ۴ )

La guerre de mouvement ( ۵ )

La guerre de manoeuvres ( ۶ )

( ۷ ) این کتاب در اوایل سال ۱۹۷۱ انتشار یافته است . م

La guerre du peuple ( ۸ )

( ۹ ) O.A.S ( سازمان ارتش مخفی ) که برهبری ژنرال سالان و بانند

خرابکارش ، علی رغم موافقت نامه های اوپان Evian بین حکومت

دوگن و F.I.N ( در مارس ۱۹۶۲ ) ، و علی رغم اعلام استقلال

الجزایر ( اول ژوئیه ۱۹۶۲ ) ، همچنان بجنگ و خرابکاری ادامه داده

و از تز منفور " الجزایر متعلق بفرانسه است " دفاع میکرد . م

( ۱۰ ) " با بررسی ضرورت انجام يك انتخاب ، خطری را که از بین رفتن

و نابود شدن تدریجی منابع ما - ناشی از سماجت در مصرف کردن بیش

از حد آنها در جبهه‌های بیش از حد متعدد - معرفی میکند ، تشریح

کرده ام . "

از کتاب " مسئولیت و پاسخ " نوشته ژنرال ماکسول . دی . تایلور

۶۲

این اظهارات بدینوسیله تأیید میشود که : " هر قدر پیروزیهای يك جنگ توده‌ای ، در این نقطه یا يك نقطه دیگر مهمتر باشد ، بهمان اندازه نیروهای امپریالیست خود را محکوم بخلع سلاح شدن و نابودی مشاهده میکنند . "

زنده باد پیروزی جنگ توده‌ای ، نوشته مارشال لین پیائو

اینهارا هم ببینید :

فریدون دانشی که رفت... (زندگینامه) کمی بلند HTM PDF کوتاه HTM PDF

آخرین همسفر (منتخب اشعار) HTM PDF

نوشته های سیاسی نوشته های پراکنده (ترجمه ها) عکسها

